

ضرورت تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر ایران نورالله نصرتی

چکیده:


دسترسی به اطلاعات مهم یک سازمان باسابقه و اثرگذار، یکی از اهداف تدوین تاریخ شفاهی است. آگاهی از شیوه‌های متعدد مقابله با حوادث و بحران‌های پیش‌آمده برای جوامع بشری و تجربیاتی که نهادهای امدادی و سلامت‌محور چون جمعیت هلال احمر از این رهگذر به دست می‌آورند، حیاتی‌بودن ضرورت تدوین تاریخ شفاهی را برای چنین جمعیتی خاطر نشان می‌کند. در تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال، علاوه بر مشارکت عناصر و مقامات ارشد مدیریتی و مدیران میانی، توجه به امدادگران گمنام یا کمتر شناخته‌شده‌ای که جمعیت هلال احمر مدیون تلاش‌های شجاعانه و مؤثر و سرنوشت‌ساز آنان است، نقشی اساسی خواهد داشت. برای انجام این کار به‌طور جدی و پی‌گیر لزوم تأسیس «دفتر تدوین تاریخ شفاهی» و «مرکز مستندسازی» در جمعیت هلال احمر ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، جمعیت هلال احمر، صلیب سرخ، اسرا و مفقودین، مستندسازی.

تاریخ شفاهی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶، پائیز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۳۴۲-۳۵۳





ضرورت تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر ایران

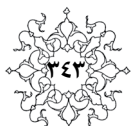
نورالله نصرتی^۱

مقدمه:

یکی از اهداف تدوین تاریخ شفاهی، دسترسی به اطلاعات مهم اما بایگانی شده در یک سازمان با سابقه و فعال و اثرگذار در تاریخ ملی یا جهانی است. جمعیت هلال احمر کشورمان در مقام یک نهاد خوشنام و پرافتخار ملی و بین‌المللی، از سابقه‌ای دیرینه و تاریخچه‌ای طولانی - درازای یک قرن - برخوردار است، تاریخچه‌ای که با تلاش‌های نیک‌مردی به نام «دکتر امیرخان امیراعلم» در سال ۱۳۰۱ رسماً آغاز می‌شود. او بود که مقررات وضع شده از سوی صلیب سرخ جهانی برای جمعیت‌ها را ترجمه کرد و در اختیار احمدشاه قرارداد تا مقدمات تشکیل جمعیت فراهم شود. از سال ۱۳۰۴ به بعد نخستین اقدامات مؤثر و عملی برای «تشکیل» این جمعیت در ایران صورت گرفت؛ جمعیتی که در دور اول خدمات خود با نام و نشان «شیر و خورشید سرخ ایران» به عنوان نخستین و بزرگترین جمعیت خیریه ایران، عهده‌دار وظایف متعددی در مسائل مربوط به امداد رسانی در حوادث غیرمترقبه، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، تربیت پرستار، نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، ارائه برنامه‌های ویژه برای جوانان و برخی فعالیت‌های عمرانی در داخل و خارج کشور شد و این خدمات حدود نیم قرن و نیم دهه به طول انجامید.

دور دوم خدمات افتخارآمیز این جمعیت با نام و نشان «هلال احمر» پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز شده و اکنون حدود چهار دهه است که شاهد توسعه ساختاری و ارتقای کم و کیفی خدمات انسان‌دوستانه آن هستیم. با وجود برخی کج‌اندیشی‌ها و کم‌لطفی‌های ناشی از سوءتفاهم‌ها و قضاوت‌های عجولانه که در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حق این جمعیت صورت گرفت، این نهاد بی‌هیا و خدمتگزار، هم در مقابله با حوادث

۱. مستندساز و فعال رسانه‌ای جمعیت هلال احمر، nourollah.nosrati@gmail.com



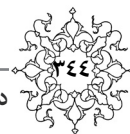
طبیعی و هم در هشت سال جنگ تحمیلی به ارائه خدمات پرداخت. تقدیم ۴۷۶ شهید و هزاران زخمی و جانباز و اسیر امدادگر نشانه حضور جدی این جمعیت در متن آن دوران پرتلاطم است. آموزش امدادگران برای کمک به مجروحان جنگی، اعزام امدادگران به جبهه‌ها، نجات مصدومین بمباران مناطق مسکونی در سراسر کشور، انتقال و رسیدگی به مجروحان جنگی و حمایت از اسرا و مفقودین ایرانی و خانواده آنها، عمده‌ترین این فعالیت‌ها و خدمات بودند.

هم‌زمان با این خدمات و در بحبوحه شرایط جنگی حاکم بر کشور، این جمعیت در انجام وظیفه خود نسبت به امدادسانی در دیگر نقاط کشور کوتاهی نکرد. از جمله مهم‌ترین عملکردهای جمعیت در همان دوران یا نزدیک به همان دوران هشت‌ساله، می‌توان به حضور مؤثر در امدادسانی و رسیدگی‌های بعدی به زلزله‌زدگان قاین (آبان ۱۳۵۸)، زلزله‌زدگان کرمان (مرداد ۱۳۶۰)، زلزله‌زدگان رودبار و منجیل (خرداد ۱۳۶۹) و نیز سیل سیستان در تابستان ۱۳۶۹ اشاره کرد. شواهد و مستندات عملکرد این جمعیت در حوادث مهیب و ویرانگری چون زلزله بم در سال ۱۳۸۲ و زلزله‌های دیگر پیش و پس از آن مثل زلزله‌های اردبیل و بجنورد و قاینات در سال ۱۳۷۶ و زلزله مناطقی از آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۱ همچنان در دسترس است و به تاریخ نیبوسته و قابل ملاحظه و تأمل است.

امروزه این جمعیت به عنوان یک نهاد خیریه و امدادی غیردولتی (NGO) با سابقه، از فراگیرترین سازمان‌های ملی و بین‌المللی است که بنابه اساسنامه خود برای «تسکین آلام بشری و حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها» فعالیت می‌کند. فعالیت‌ها و اهداف سلامت محور این جمعیت در سطوح ملی و بین‌المللی، همچنین با هفت اصل اساسی نهضت جهانی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر همسویی دارد، اصولی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز صلح جهانی و تأمین سلامتی و احترام و کرامت انسان‌ها را در ابعاد مختلف جسمی و روحی-روانی مدنظر قرار می‌دهند. حضور بشردوستانه و مؤثر این جمعیت در زمینه کمک‌های امدادی و پشتیبانی مادی و معنوی از آسیب‌دیدگان در حوادث بین‌المللی هم سرگذشتی خواندنی دارد که روزی باید در تاریخ شفاهی این جمعیت ثبت و ضبط گردد، همان تاریخی که جمعیتی با این پیشینه طولانی و پر افتخار از آن محروم مانده است.

کارکردهای اجتماعی و فرهنگی تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال‌احمر

ایران عزیز ما از جمله کشورهایی است که از ناحیه بلایای طبیعی، آسیب‌های فراوان دیده است. مردم ایران و بلکه سراسر جهان، خاطره تلخ و جانکاه زلزله‌هایی چون بوئین زهرا، طیس، بم و منجیل و رودبار و قاینات و قزوین و اردبیل و اهر و ورزقان را در سالیان دور و نزدیک از یاد نمی‌برند. از ۴۰ نوع بلایای طبیعی شناخته شده در جهان، ۳۱ نوع آن در ایران اتفاق می‌افتد.



همین امر باعث شده که ایران، هشتمین کشور حادثه خیز جهان به‌شمار آید. از این ۳۱ نوع حادثه و سانحه طبیعی، ۳ سانحه زلزله، سیل و خشکسالی خسارات بیشتری در کشورمان به بار می‌آورند. از آنجا که انتقال دانش و تجربیات پیشینیان، از جمله اهداف و کارکردهای اساسی تاریخ‌شفاهی است، کارکرد اجتماعی تدوین تاریخ‌شفاهی جمعیت هلال‌احمر به همین دلیل که با حیات و سلامتی آحاد مردم هر جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد مشخص می‌شود؛ نام این جمعیت با حوادث طبیعی پیش‌بینی نشده (غیرمترقبه) یا بحران‌ها و جنگ‌های ساخته دست بشر عجین شده است. حادثه و بحران و جنگ نیز پدیده‌هایی هستند که همواره توجه و حساسیت ویژه انسان نسبت به وقوع و بروز آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده، چرا که با حفظ جان و سلامتی او گره خورده است. آگاهی از شیوه‌های متعدد مقابله با حوادث و بحران‌های پیش‌آمده برای جوامع بشری و تجربیاتی که نهادهای امدادی و سلامت‌محور چون جمعیت هلال‌احمر - و همکار و هم خانواده بین‌المللی‌اش جمعیت «صلیب‌سرخ»- از این رهگذر به‌دست می‌آورند، برای تضمین امنیت جانی و روانی همه انسان‌ها در کوران حوادثی که در کمین‌شان است، اهمیتی حیاتی می‌یابد.

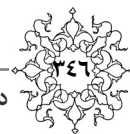
از لحاظ فرهنگی-اجتماعی نیز تاریخ‌شفاهی سازمانی چون جمعیت هلال‌احمر که در زمینه‌های متنوع به ارائه خدمات انسان‌دوستانه می‌پردازد، برای اقشار مختلف دارای جذابیت است. به‌عنوان نمونه، جوانان یکی از مهم‌ترین جوامع هدف و مخاطبان این جمعیت می‌باشند چرا که جمعیت در قالب «سازمان جوانان» با اقشار وسیعی از جوانان در تماس است و آنان را در فعالیت‌های بشردوستانه مشارکت می‌دهد، برای اوقات فراغت‌شان برنامه‌ریزی می‌کند یا با تشکیل کلاس‌ها و برگزاری اردوهای آموزشی و مسابقات ورزشی، مهارت‌های آنان در کمک به خود و دیگران در فراز و نشیب‌ها و خطرات زندگی را افزایش می‌دهد. یا از طریق «سازمان داوطلبان» همچون یک حلقه اتصال، خیرین و نیکوکاران توانمند جامعه را در زمینه‌های مختلف با نیازمندان و مددجویان آن جامعه پیوند می‌دهد. بنابراین دایره مخاطبان و دامنه تأثیرگذاری اجتماعی چنین تاریخی نیز گسترده است، چرا که مملو از تجربه‌ها و خاطرات در زمینه انجام مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی و عاطفی است. آشنایی با تاریخ‌شفاهی چنین جمعیتی آحاد مردم و طیف وسیعی از جامعه مخاطبان آن را، برای مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های آن ترغیب و روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آنان را تقویت خواهد کرد. این نقطه از بحث مجال مناسبی است تا به کارکرد فرهنگی و هنری این تاریخ‌شفاهی به عنوان منبعی برای الهام‌بخشی به اهالی ادبیات و هنر خصوصاً داستان کوتاه و رمان و عرصه‌های سینما و تلویزیون اشاره کنم. هلال‌احمری‌هایی که در کوران حوادث بزرگ حضور فعال و مؤثر داشته‌اند - اعم از مسئول و مدیر و پزشک و بهیار و امدادگر و نجاتگر - تجربه‌ها و خاطره‌های شنیدنی، از این حضور خود دارند که ثبت و ضبط آنها، ایده‌ها و تصویرها و قصه‌های فراوان در اختیار قصه‌نویسان و فیلم‌نامه‌نویسان و سینماگران و نقاشان قرار خواهد داد.



تنوع محورهای موضوعی برای تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر

محورهای موضوعی متنوعی برای تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و بشردوستانه می‌توان در نظر گرفت. با نگاهی به سوانح و بحران‌های ملی و بین‌المللی که جمعیت هلال احمر در پاسخ‌گویی به آن‌ها و به‌قصد انجام مسئولیت اجتماعی و بشردوستانه خود، نقشی مؤثر و گاه تاریخی (همچون پاسخ‌گویی به حادثه بم) ایفا کرده، و یا با تأمل در نمونه‌های منحصربه‌فرد دیگری از فعالیت‌های این جمعیت - مثلاً خدمت‌رسانی به جامعه معلولان کشور با تأسیس و فعالیت مؤثر با سابقه‌ترین و تخصصی‌ترین مرکز توانبخشی کشور و موارد دیگر - جای خالی شرح و ثبت خاطرات و مخاطرات و دیدگاه‌ها و تجربیات ناظران و فعالان عرصه‌ها به‌روشنی احساس می‌شود.

از امدادگران و مدیران ستادی یا عملیاتی که در روزهای پرتلاطم ناشی از وقوع سوانح و رویدادهایی چون زلزله سال ۵۷ طبرس و وقایع انقلاب و هشت سال جنگ تحمیلی و جنگ شهرها و زلزله سال ۶۹ رودبار و منجیل و زلزله‌های بم و اردبیل و بجنورد و قاینات و بم و آتش‌سوزی جنگل‌های گلستان و سیل‌های خوزستان و صدها اتفاق دیگر در سال‌های بعد حضور و نقش فعال داشتند، خاطره‌های تأثیرگذار و آموزنده در سینه‌ها مانده و تجربیات فراوان ناشی از آزمون و خطاها در ذهن‌ها حک شده که مرور زمان ممکن است آن‌ها را برای همیشه محو کند یا با در گذشتن افراد، آیندگان از این تجربه‌ها و اندوخته‌ها بی‌بهره بمانند. به‌راستی از شنیده‌ها و دیده‌های پزشکان و امدادگرانی که از سالیان دورتر در جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران (قبل از انقلاب) در موسم حج خدمت کرده‌اند یا به سیل‌زدگان سیل ویرانگر سال ۴۷ خوزستان کمک رساندند، پرستارانی که در حضانت‌گاه‌های همان جمعیت از کودکان بی‌سرپرست نگره‌داری کردند و بعدتر، پزشکانی که سالیان سال در درمانگاه‌های جمعیت هلال احمر در کشورهای آفریقایی یا در سیل پاکستان و بحران سومالی و زلزله‌های ترکیه و هائیتی و جنگ‌زدگی مردم بی‌دفاع غزه از مسیر زمین و هوا و دریا به کمک شتافتند، یا امدادگران کوهستان و جاده که کوهنوردان کوهستان‌ها و در راه‌ماندگان و مصدومان جاده‌ها را از خطر مرگ و بلایای دیگر نجات دادند، یا به عنوان پزشک و امدادگر داوطلب با کاروان‌های سلامت برای ویزیت و درمان رایگان مردم نیازمند کمک راهی روستاهای محروم و دورافتاده شدند، یا به‌عنوان داوطلبان و خیرین در قالب طرح‌هایی چون «فرشتگان رحمت» و «همای رحمت» در شب‌های ماه رمضان و آخر سال، سید غذایی و عیدانه به در خانه نیازمندان بردند، و مهم‌تر از همه، از شکست‌ها و موفقیت‌هایی که در پنجه درافکندن با حوادث و بحران‌های بزرگ نصیب مدیران و امدادگران ارشد و میانی این تشکیلات شد، نکته‌ها و آموزه‌ها و درس‌ها و عبرت‌های بسیار می‌توان یافت و در حافظه تاریخ شفاهی این جمعیت ثبت و ضبط کرد. اگر به‌طور بسیار خلاصه و فهرست‌وار بخواهیم محورهای موضوعی قابل‌بررسی برای



تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر را برشمردیم می‌توان بر مواردی چون امداد جبهه در طول سال‌های جنگ تحمیلی، امدادرسانی در جنگ شهرها و زلزله‌های مهمی چون رودبار و منجیل و قاینات و قزوین و بم، کشتی بیمارستانی شیر و خورشید سرخ ایران (کشتی فارور) و عملکرد و سرنوشت آن، قطار بیمارستانی جمعیت هلال احمر و نقش ویژه و حیاتی آن در سال‌های جنگ از طریق انتقال و توزیع مجروحین در طول مسیر خود از مناطق جنگی جنوب تا شمال کشور (گرگان)، مقوله آموزش در هلال احمر، تشکیل تیم‌های حمایت روانی و درمان اضطراری در حوادث و نقش حیاتی این تیم‌ها در صیانت از سلامتی جسمی و روحی آسیب‌دیدگان از حوادث، ضرورت و روند تأسیس بخش‌های تخصصی در این جمعیت چون امداد کوهستان، امداد جاده‌ای، امداد دریایی، تاریخچه و دلیل تأسیس انبارها و پایگاه‌های امدادی سراسر کشور، تاریخچه تأسیس توانبخشی در جمعیت به عنوان اولین مرکز فنی و تخصصی ارتوپدی و توانبخشی به معلولان در کشور، کم‌وکیف حضور داوطلبان و جوانان اعم از جوانان و بانوان در مواقع امدادی، جایگاه بین‌المللی جمعیت هلال احمر ایران و مسائل دیگر اشاره کرد.

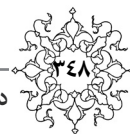
اگر از این میان به‌عنوان نمونه بخواهیم نقش جمعیت هلال احمر را در یکی از رخداد‌های مهم تاریخ معاصر ایران به اختصار شرح دهیم، نقشی که ناگفته مانده اما در قالب تاریخ شفاهی حاوی گفتنی‌های بسیار خواهد بود، باید از نقش تاریخی و بشدت حیاتی این جمعیت - با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ - در زمینه رسیدگی به امور اسرا و مفقودین در طول سال‌های جنگ و دو سال پس از آن یاد کنیم؛ به‌واسطه ارتباط کاری و سازمانی جمعیت هلال احمر با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ - که همچون همه کشورها دفتری نیز در ایران (تهران) داشت - از نخستین روزهای آغاز جنگ تحمیلی و مفقودشدن تعدادی از ایرانیان اعم از سربازان و رزمندگان و مردم عادی مناطق جنگ‌زده، جمعیت هلال احمر باید پاسخ‌گوی خانواده‌های آنان و همچنین خانواده‌های اسرای جنگ در خصوص سرنوشت یا وضعیت عزیزان‌شان بود.

این کار زیر نظر اداره کل امور بین‌الملل این جمعیت و توسط اداره‌ای تحت‌عنوان «اداره اسرا و جستجوی مفقودین» صورت می‌پذیرفت. کار پر حجم و بی‌نظیر و منحصر به فردی که فقط در این اداره از دهه‌ها اداره جمعیت هلال احمر در مقطع پرتلاطم و تاریخی جنگ تحمیلی صورت پذیرفت، در عین اهمیت تاریخی در سطح ملی و بین‌المللی، یکی از ناگفته‌های تاریخ معاصر و تاریخ جنگ تحمیلی است، جنگی که اگر برای همه هشت سال طول کشید، برای بیش از چهل هزار اسیر ایرانی و خانواده‌های چشم‌انتظار و دردکشیده آنان ده سال و برای برخی اسرای ویژه همچون سرتیپ خلبان زنده‌یاد «حسین لشگری» و خانواده چشم‌انتظار او شانزده سال به‌طول انجامید. در تمامی آن سال‌های جنگ، جمعیت هلال احمر از طریق همین اداره، تنها نقطه امید و حلقه اتصال این خانواده‌ها با عزیزان دربندشان در اردوگاه‌ها یا زندان‌های رژیم بعثی عراق



بود. در طول سال‌های اسارت، حدود ۶ میلیون پیام خانوادگی و نامه توسط جمعیت هلال‌احمر ایران و با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، بین اسرای ایرانی و خانواده‌هایشان مبادله شد. به جز این، پیگیری وضعیت مفقودین، سرکشی‌های کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ برای ثبت‌نام اسرا - در اردوگاه‌های هر دو کشور - با همکاری جمعیت‌های هلال‌احمر طرفین مخاصمه، مبادله اسرای معلول و بیمار، دریافت گواهی‌نامه‌های فوت (شهادت) و وکالت‌نامه‌های لازمه از طرف اسرا برای انجام امور مختلف، سرکشی‌های مستمر به خانواده‌های اسرا یا پاسخ‌گویی به مراجعات و پرسش‌های آنان و همراهی و همدردی با بی‌قراری‌ها و چشم‌انتظاری‌ها - در صورتی که اسیرشان به شهادت می‌رسید یا شهیدبودن مفقودشان مسجل می‌شد - و موارد مشابه دیگر، حاوی نکات ویژه و فرازهای ناگفته‌ای نه تنها از تاریخ سازمانی به نام جمعیت هلال‌احمر که در تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر ایران است. این در حالی است که نه تنها در عرصه ملی چندان که باید و شاید به بازگویی وقایع و سرگذشت اسرای ایرانی به عنوان رزمندگان مظلوم این خاکریز پنهان سال‌های جنگ تحمیلی توجه لازم را نشان نداده‌ایم و این بخش از تاریخ معاصر و دفاع مقدس، همچنان بخشی خاموش یا کم صدا از یادمان‌های آن دوران است، بلکه به نقش حیاتی و مؤثر جمعیت هلال‌احمر کشورمان در تخفیف رنج آزادگان عزیز و تسکین آلام خانواده‌های دردمند و چشم‌انتظار آن عزیزان نیز چنان که شایسته است نپرداخته‌ایم. بنابراین، تدوین تاریخ شفاهی این جمعیت ملی و مردمی و بین‌المللی، می‌تواند برای جبران ناگفته‌های فراوانی از این دست در عرصه تاریخ سیاسی اجتماعی و در ابعاد ملی به کار آید.

منابع و مراجع تدوین این بخش از تاریخ جمعیت نیز علاوه بر کارکنان فعال و مدیران مؤثر و حتی مراجعان این اداره در آن سالیان پرتلاطم، کارکنان و مدیران وقت کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را شامل می‌شود. در هر حال جمعیت هلال‌احمر نهادی ملی - بین‌المللی است و تاریخ شفاهی آن نیز هم از لحاظ منابع و مصاحبه‌شوندگان و هم از نظر مخاطبان محدوده‌ها و افراد فراملی و بین‌المللی را شامل می‌شود. به‌عنوان نمونه، یکی از افراد بین‌المللی در این زمینه که می‌تواند منبعی مؤثق و مهم برای تدوین این بخش از تاریخ شفاهی جمعیت باشد، آقای «پیر ریتز» سوئسی است که رئیس دفتر نمایندگی کمیته صلیب‌سرخ در تهران در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ نیز بوده است. وی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مرداد ماه سال ۶۹ و توافق دو جانبه ایران و عراق، مسئول پیگیری آزادی اسرای دو کشور و بازگشت آنان به کشورشان بود. آقای ریتز در آن سال‌ها تلاش فراوانی در زمینه جستجو و یافتن مفقودین این جنگ انجام داد. همچنین در زمینه پیگیری بسیاری از پرونده‌های بشردوستانه کشورمان نظیر پیگیری ربه‌شدن چهار دیپلمات ایرانی در لبنان، پرونده امام موسی صدر، آزادی ایرانیان در سوریه و لیبی نقش مؤثری داشت. از سوی دیگر، شخصیت برجسته و نه چندان شناخته‌شده دیگری چون «سید صدرالدین



صدر» (فرزند امام موسی صدر) که در آن سال‌های پرتلاطم جنگ و پس از آن مدیرکل امور بین‌الملل جمعیت هلال‌احمر و فارغ‌التحصیل مدیریت از دانشگاه سوربن پاریس و آشنا به چند زبان بین‌المللی بود و نقشی مؤثر در تعامل با مقامات صلیب‌سرخ برای پیگیری و بهبود وضعیت اسرای ایرانی در عراق داشت، در این بخش از تاریخ‌شفاهی جمعیت هلال‌احمر می‌تواند طرف مصاحبه و منبع و مرجعی بسیار عالی و مؤثق و معتبر باشد.

گفتنی است خوشبختانه در این زمینه، خاطرات خانم «بهجت افراز» رئیس وقت اداره اسرا و مفقودین جمعیت هلال‌احمر در دو جلد کتاب به نام‌های «چشم‌تر» و «ام‌الاسرا» منتشر شده است، اما برای فراهم‌آمدن یک تاریخ‌شفاهی از این بخش یا بخش‌های دیگر جمعیت هلال‌احمر -به معنی اخص و اعم، مقوله «تاریخ‌شفاهی»- راهی دراز در پیش است.

پیشینه کم‌برگ و بار تاریخ‌شفاهی جمعیت‌های صلیب‌سرخ و هلال‌احمر

در عرصه تدوین تاریخ‌شفاهی جمعیت هلال‌احمر و اساساً بلایای طبیعی در کشورمان گام‌های بسیار کوتاهی -همچون دو کتابی که دو سه سطر بالاتر نام برده شد- برداشته شده که در شوره‌زار کم‌کاری در این عرصه، مغتنم و شایسته ارزش‌گذاری می‌باشند. نمونه دیگر این آثار کتاب «رنج رایگان» -منتشر شده در سال ۱۳۸۳- است.

این کتاب که به‌کوشش مرتضی رسولی‌پور از پژوهشگران عرصه تاریخ‌معاصر (و تاریخ‌شفاهی) منتشر شده، حاوی خاطرات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی زندیاد «دکتر حسین خطیبی» است. دکتر خطیبی در سال ۱۳۲۸ مدیرعامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران شد و تا سال ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند و طی این مدت توانست این جمعیت را به‌سرعت توسعه داده و ده‌ها بیمارستان، درمانگاه، پرورشگاه، و مؤسسه‌های خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس کند. البته رنج رایگان صرفاً به تاریخ‌شفاهی جمعیت مربوط نمی‌شود و حاوی خاطرات فرهنگی سیاسی اجتماعی دکتر خطیبی است، اما بخش‌های قابل‌توجهی از خاطرات مندرج در آن به فرازهای مهمی از تاریخچه تشکیل و توسعه این جمعیت و فعالیت‌های آن برهه زمانی سی ساله اختصاص دارد. همچنین، کتاب دیگری تحت‌عنوان «مدیریت بحران از نگاه بیژن دفتری» در سال ۱۳۹۲ دربارۀ زنده‌یاد بیژن دفتری -از نامداران عرصه مدیریت عملیات امدادی در جمعیت هلال‌احمر- منتشر شده است. جز این موارد، فعالیت دیگری در ثبت و ضبط خاطرات و نظرات پیشکسوتان و تاریخ‌سازان جمعیت هلال‌احمر کشورمان -در قالب مکتوب- لااقل به چشم نگارنده این سطور نخورده است. امید که مشکل اصلی بی‌اطلاعی نگارنده باشد!

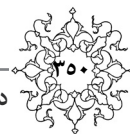
در عرصه بین‌المللی یعنی تاریخ‌شفاهی دیگر جمعیت‌های صلیب‌سرخ و هلال‌احمر نیز -طبق جستجوی کلی و البته نه چندان پیگیرانه و دقیق که نگارنده داشت- علی‌الظاهر اتفاق ویژه‌ای



نیافتاده است. امید که این فرضیه نیز بنابه نقص اطلاعات این نگارنده باطل گردد! فقط در خلال جستجوهای کلی که انجام داده‌ام به دنبال ردپای فعالیت‌های مرتبط با تدوین تاریخ شفاهی این جمعیت‌ها - به مفهوم اخص و دقیق کلمه تاریخ شفاهی - به یک نمونه منتشر شده در ده سال اخیر (سال ۲۰۰۶ میلادی) مربوط به صلیب سرخ ایالات متحده آمریکا برخوردیم: کتابی تحت عنوان «خون، عرق و اشک‌ها» تألیف «مایکل تورک». تورک که به‌عنوان روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای در منطقه نیویورک با صلیب سرخ آمریکا همکاری داشته، این کتاب را در گرامیداشت صد و بیست و پنجمین سالگرد تأسیس صلیب سرخ آمریکا و بر اساس مشاهدات و اظهارات ۲۹ تن از داوطلبان و کارکنان این سازمان گردآوری کرده است.

مایکل تورک در مقدمه کتاب پس از مروری گذرا بر تاریخچه سازمان صلیب سرخ آمریکا، ضمن گفتگو با برخی مصاحبه‌شوندگان در متن کتاب نیز خوانندگان را به مقاطعی از فعالیت‌های سازمان در جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام و بلایای بعدی، از جمله بمب‌گذاری در شهر اوکلاهما در سال ۱۹۹۵ و نهایتاً واقعه ۱۱ سپتامبر و طوفان‌های کاترینا و ریتا ارجاع می‌دهد. اما توجه ویژه او عمدتاً به بررسی نحوه سازماندهی داوطلبان - از رده‌های متنوع سنی و اجتماعی مردم - برای کمک به حادثه‌دیدگان دو حادثه مهم ۱۱ سپتامبر و طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ از طریق گفتگو با عده‌ای از همان داوطلبان معطوف شده است؛ چرا که صلیب سرخ آمریکا با توجه به پیش‌بینی‌های انجام شده از وقوع توفان کاترینا، ۲۰۰۰ داوطلب را در پایگاه‌های از پیش تعیین شده مستقر کرد و کمی بعدتر در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۰۵ و ۵ ماه پس از ریزش زمین در اثر طوفان، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کرد.

اغلب مصاحبه‌شوندگان، شاهدان عینی و همچنین داوطلبانی فعال و گاه در اندازه قهرمانان کوچکی برای یک شهر یا گروهی از انسان‌های حادثه دیده‌اند، چرا که از توانمندی لازم روحی و جسمی و عملی برای کمک - مثل اهدای خون یا گذراندن دوره‌های آموزشی احیای قلبی ریوی (CPR) برخوردار بوده‌اند. یکی از آنان که زنی با روحیه‌ای مقاوم است، تجربه یک سال حضور امدادی در جنگ ویتنام را دارد و هنوز فکر می‌کند آن یک سال، پرارزش‌ترین مقطع زندگی‌اش بوده و به یاد دارد که بعد از بازگشت به خانه احساس بی‌فایده بودن می‌کرده است. برخی مصاحبه‌شوندگان نیز شاهد لحظه‌هایی تلخ و دلخراش بوده‌اند. مانند کسی که لحظه‌ای را به یاد می‌آورد که مادرش در ماجرای تروریستی بمب‌گذاری در اوکلاهما جان باخت، یا یکی از کارکنان بهداشت روانی به یاد می‌آورد چگونه یک کارگر جرثقیل پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر در «گراند زبرو» نیویورک در میان آوار محصور شده بود، نهایتاً این کتاب مجموعه‌ای تلخ و گاه گزنده اما عبرت‌آموز از روایت‌هایی انسانی، صادقانه و پر احساس است که در عین سختی و تأثرآور بودن، به شیوه‌ای روشن و روان و ساده و بی‌پیرایه بیان و ثبت شده‌اند.



ملاحظات ویژه در تدوین تاریخ شفاهی جمعیت

قاعدتاً همه بر این نکته کلی واقفیم که در روند انجام پروژه‌های تاریخ شفاهی و ثبت و ضبط مشاهدات و نظرات مصاحبه‌شوندگان، دنبال تحلیل داده‌ها و قضاوت درباره آن‌ها نیستیم و نباید باشیم و این نکته هم یک اصل و هم یک روش مسلم و مهم در جریان تدوین تاریخ شفاهی است. رعایت این اصل در مواجهه با برخی موضوعات دقت و ضرورتی مضاعف می‌یابد. بنابراین شرط اساسی تدوین تاریخ شفاهی سازمانی چون جمعیت هلال احمر که بی‌غرضی و بی‌طرفی و غیرسیاسی بودن و استقلال از اصول اساسی آن است، حذف خط و خطوط سیاسی و جناحی و حب و بغض‌های شخصی و غیرشخصی و رعایت انصاف و عدالت و مروت در دعوت از ایفاگران نقش‌های ارزشمند و تاریخی این جمعیت و یا رویکرد به ثبت نظرات آنان است. هر اعمال نظر سیاسی و سلیقه‌ای آن هم در تدوین تاریخ شفاهی تشکیلاتی که در اساسنامه آن، هر نوع نگاه سیاسی و نژادی و قبیله‌ای و باندی و حتی مذهبی و عقیدتی به فعالیت‌های آن، غرض‌ورزانه و مخل ایفای وظایف اساسی این نهضت خواهد بود، قطعاً پذیرفتنی نبوده و راه به جایی هم نخواهد برد و مطرود و غیرقابل‌اعتنا خواهد ماند.

همچنین، در تدوین تاریخ شفاهی چنین جمعیتی که سازمانی عملیاتی و سخت مبتنی بر توانمندی‌ها و تجربیات میدانی در عرصه مدیریت بحران است، علاوه بر مشارکت عناصر و مقامات ارشد مدیریتی و مدیران میانی، توجه به امدادگران گمنام یا کمتر شناخته‌شده‌ای که جمعیت هلال احمر مدیون تلاش‌های شجاعانه و مؤثر و سرنوشت‌ساز اما پنهان‌مانده آنان است، نقشی کلیدی خواهد داشت. اگر هم نتوان عنوان تاریخ شفاهی بر گفته‌ها و خاطرات تمام آنان نهاد، قطعاً می‌توان در حاشیه تدوین تاریخ شفاهی، در مجموعه‌هایی تحت‌عنوان «خاطرات امدادی» و «خاطرات داوطلبی» و امثالهم، همواره نگاهی به آن‌ها داشت. حاشیه‌هایی که گاه ممکن است به متن اصلی راه یابند و مسیر آن را هم تغییر دهند.

از این قرار، تعداد افرادی که به عنوان چهره‌های شاخص هلال احمر می‌توان جهت مصاحبه برای تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر به سراغ‌شان رفت کم نیستند چرا که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هم تنوع و تعدد عرصه‌های فعالیت و خدمت‌رسانی، و هم سابقه تاریخی طولانی این جمعیت قابل‌توجه است و در صورت شروع این پروژه، افراد زیادی را می‌توان برشمرد که در سمت‌های مدیریتی یا عملیاتی، در این تاریخچه پرافتخار نقش آفرینی کرده‌اند.

لزوم تأسیس «دفتر تدوین تاریخ شفاهی» و «مرکز مستندسازی» در جمعیت

با عطف توجه به آنچه گفته شد، ضرورت ایجاد یا تأسیس یک واحد یا یک «دفتر تدوین تاریخ شفاهی» و همچنین یک «مرکز مستندسازی» از خدمات و تجربه‌های یک قرنی جمعیت



هلال احمر احساس می‌شود. بی‌تردید اگر روزی چنین دفتر و مرکزی تأسیس شود و گروهی سلیم‌النفس، منصف و بی‌غرض، فرهیخته و متخصص امر، کمر همت به تدوین چنین تاریخی بزنند، همچنین به مستندسازی مکتوب و تصویری (سمعی و بصری) از کم‌وکیف و ضعف و قوت‌های عملکرد این جمعیت همت گمارند، امروزیان و آیندگان با رجوع به این تاریخ و این مستندات راه پیش روی خود را روشن‌تر می‌بینند و گام‌هایشان را محکم‌تر بر می‌دارند. به عنوان مثال شاید مستندسازی و تدوین چنین تاریخی فقط با موضوع زلزله بم و حماسه امدادسانی جمعیت هلال احمر ایران و نحوه حضور دیگر نهادها و جمعیت‌های امدادسان بین‌المللی در پاسخ‌گویی به این حادثه، به‌تنهایی کاری مهم و درازمدت برای چنین دفتری باشد؛ کاری که حاصل آن هم مهم خواهد بود، چرا که مدیران و امدادگران امروز و آینده، در آینه چنین مستنداتی خود و جمعیت خود را چنان می‌بینند که هم از نقاط قوت و حماسی آن احساس غرور کنند، هم نقص‌ها را تشخیص داده و اصلاح کنند تا در موقعیت مشابه دیگر بار به دام آن نیافتند.

البته در زمینه مستندسازی در قالب صوتی و تصویری - که به نظر نگارنده به عنوان یک روزنامه‌نگار/مصاحبه‌گر/مستندساز - با توجه به دستاوردهای عصر دیجیتال در کیفیت و سرعت ارائه داده‌های مختلف به جامعه مخاطبان، باید ذیل پروژه‌های تاریخ شفاهی به روش‌های مرسوم یعنی ضبط صوت و مکتوب کردن مصاحبه‌ها توجه بیشتری به آن معطوف شود - کارهایی به قصد تدوین نوعی تاریخ شفاهی برای جمعیت در قالب صوتی و تصویری توسط نگارنده و همکارانش انجام شده است. گر چه خروجی این کارها به ساختن مجموعه‌های تلویزیونی یا فیلم‌های مستندی در زمینه فعالیت‌های این جمعیت انجامیده که شاید با با معیارهای علمی و تخصصی نتوان آن‌ها را ذیل تدوین «تاریخ شفاهی» تعریف کرد، اما مصاحبه‌های گاه بسیار جامع و مفصل صورت گرفته با تعدادی از چهره‌های شاخص جمعیت در زمینه‌های مختلف (که در آرشیو اداره سمع و بصری این جمعیت موجود هستند) همچنان می‌توانند روزی به عنوان منابع و مصالح معتبر و مستند در تدوین تاریخ شفاهی این جمعیت به کار آیند.^۱

نتیجه‌گیری:

بی‌تردید غفلت از به‌جا آوردن چنین ضرورتی، یعنی تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال احمر ایران، چند آفت به‌دنبال خواهد داشت؛ مهم‌ترین این آفات تحریف یا مخدوش شدن تاریخچه فعالیت‌های جمعیت و روایت‌های مغرضانه و سودجویانه احتمالی در برهه‌های مختلف تاریخی، همچنین محروم شدن مدیران و امدادگران و جوانان و داوطلبان عاشق خدمت در این جمعیت از تجربه‌های پیشینیان خواهد بود. غبارزدایی از گذشته این جمعیت و نشان دادن نقاط درخشان آن، چراغ راه

۱. نگارنده با هدفی مشابه آنچه از تدوین تاریخ شفاهی مدنظر است، یک مجموعه مستند تلویزیونی هفت قسمتی تحت‌عنوان «یاران ماه و خورشید» با زمان حدود ۱۷۰ دقیقه و یک فیلم مستند با عنوان «چهل هزار فرزند» با زمان ۶۰ دقیقه در مقام پژوهشگر و مصاحبه‌کننده و طراح و کارگردان تهیه کرده است. در مجموعه اول -تولید سال ۱۳۹۳- هفت تن از پیشکسوتان جمعیت هلال احمر در عرصه‌های مؤثر و گاه تاریخ‌ساز جمعیت هلال احمر حضور دارند و فراز و فرودهای تاریخ چهل ساله این جمعیت -پس از انقلاب- در زمینه‌های مختلف مرور می‌شود. فیلم مستند «چهل هزار فرزند» نیز -تولید سال جاری/۱۳۹۶- با حضور سه تن از چهره‌های شاخص و فعال این جمعیت در دوران دفاع مقدس و همچنین سه تن از اسرای زمان جنگ و خانواده‌های آنان، ثبت و ضبط و مستندسازی شده است و به نقش جمعیت هلال احمر در رسیدگی به وضعیت اسرا و مفقودین سال‌های دفاع مقدس می‌پردازد، گذشته از زمان نهایی محدود این مستندها، زمان اصلی مصاحبه‌های صورت گرفته با افراد حاضر در این مستندها بالغ بر حدود ۱۵ ساعت می‌شود.



خدمتگزاران بی‌منت و سخت‌کوش عضو خانواده بزرگ جمعیت هلال‌احمر یا اعضا و فعالان هر نهاد خیریه، مردمی و سلامت‌محور دیگر، برای امروز و آینده خواهد بود.

منابع:

- اسفندیاری، احمد (رئیس وقت سازمان امداد و نجات هلال‌احمر) (۲ بهمن ۱۳۸۸). دومین سمینار تخصصی پدافند غیرعامل. قم.
- شمس‌پور، نواب؛ هاشمی‌نیا؛ محمدرضا (۱۳۹۳). یک قرن نועدوستی - جمعیت هلال‌احمر از تشکیل تا تثبیت. فصلنامه علمی و پژوهشی امداد و نجات، ش(۱).
- نصرتی؛ نورالله (۱۳۹۴). واقعیتی که تا به امروز مغفول مانده است. روزنامه شهروند، شماره ۵۶۲، سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴.
- «اداره کل روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر» (۱۳۸۲). هشتاد سال خدمات بشر دوستانه (کتابچه معرفی جمعیت هلال‌احمر به مناسبت هشتادمین سال تأسیس).
- مباحث کارگاه آموزشی و مشاوره و رهنمودهای استاد و پژوهشگر ارجمند حوزه تاریخ شفاهی سرکار خانم «شفیقه‌سادات نیک‌نفس» در تنظیم و تکمیل نهایی این مقاله نقش مؤثر داشته است.
- Michele Turk; Robbinsville (2006). Blood, Sweat and Tears - An Oral History of the American Red Cross N.J.: E Street Press.

